

## «اتفاق»

از کلماتی است که در گفتگوهای روزمره همه اقوام و ملل کاربرد دارد.

مردم برخی امور را «اتفاقی» و «تصادفی» می‌شمارند و برخی دیگر را نه. برخی از فیلسوفان نیز گاهی از واژه ی «اتفاق» استفاده کرده اند؛ مثلاً دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم‌ها و ذرات ریز تجزیه‌ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیر متناهی، پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می‌کرده اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.

## شکل دیگر اتفاق در گفته‌های دانشمندان:

شکل دیگری از اتفاق که در دوره‌های اخیر مطرح شده، در گفته‌های برخی دانشمندان زیست‌شناس، از جمله «داروین»، آمده است؛ آنان می‌گویند: از ابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین، 3/5 میلیارد سال می‌گذرد. طی این سال‌ها جانداران بی‌شماری پدید آمده اند اما بیشتر آنها، به علت ناسازگاری اندام‌ها و اعضای بدنشان با محیط زندگی، از بین رفته اند. فقط آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان «اتفاقاً» سازگار با محیط بوده است؛ به حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند و اگر در این میان تکاملی رخ داده، اتفاقی بوده است.

## نظر دانشمندان کنونی در رابطه با پدید آمدن جهان:

امروزه، برخی از دانشمندان می‌گویند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، با یک انفجار بزرگ - بیگ بنگ - آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است. بیان آنان درباره این انفجار به گونه ای است که مفهوم «اتفاق» را به خاطر می‌آورد.

**اتفاق و انفجار:**

از این رو، جای این پرسش هست که آیا چیزی بوده که به طور اتفاقی منفجر شده است یا شرایطش به گونه ای بوده که پذیرای چنین انفجاری شود؟

**کاربرد اصطلاح شانس:**

اصطلاح دیگری که برخی از مردم آن را به کار می برند، اصطلاح «شانس» است. برخی شانس را عامل موفقیت یا عدم موفقیت میدانند و معتقدند که شانس برخی از افراد بیشتر و شانس بعضی دیگر کمتر است.

**اقدامات مهم و مؤثر فلسفه در باب اتفاق:**

❖ از اقدامات مهم و مؤثر فلسفه در باب اتفاق دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها بوده است.

نظر و عملکرد ابن سینا در این باب نشان دهنده ی آن است که وی این دقت را دارد و آنرا از وظایف مهم فیلسوفان می شمارد.

**واکنش ابن سینا در باب اتفاق:**

وی در مهمترین کتاب فلسفی خود، یعنی «الهیات شفا»، هم درباره «اتفاق» و هم درباره «شانس» سخن گفته و تلاش کرده است نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید.

**اهمیت پرداختن به مفهوم «اتفاق» و «شانس»:**

از همین رو، لازم است که ما نیز در ادامه بحث علیت نظری به این مفاهیم بپردازیم و جنبه ی آنها را روشن کنیم؛ به خصوص که امروزه مفهوم اتفاق نه تنها نزد عامه مردم بلکه در علوم نیز کاربرد پیدا کرده است.

## پیامدهای پذیرش اصل علیت:

پذیرش اصل «علیت»، زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است. با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم و با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن بر می آییم.

## نتایج اصل «وجوب بخشه علت به معلول»:

جهان، تابع رابطه ای ضروری و حتمی است؛ به گونه ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود و وجوب وجود پیدا می کند.

مثال برای وجوب علی: باغبان بر همین اساس بذر میکارد و راننده با همین مبنا خودرویش را روشن و به جلو هدایت می کند.

1) نظم خاصی در جهان برقرار می کند.

پیامد اصل سنخیت میان علت و معلول:

2) این اصل به ما می فهماند که هر چیزی نمیتواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید. علت‌های خاص معلول‌های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد.